

## گفت‌وگو با دکتر فریبا علاسوند و تحلیل نقش زنان با حجاب متفاوت در خنثی‌سازی فتنه اخیر دشمن

# روسی‌های حیا

خانم‌هایی که با وجود تبلیغات سنگین دشمن حاضر نشدند روسری را از سر بردارند، شاید اجرشان کمتر از شهدا نباشد



«همان دختر کم‌حجاب دختر من است. دختر ما و شماست؛ نه دختر خاصی من و شما جامعه ما است.» این جملات آشنا، سخنان دلسوزانه مردی است که پس از شهادتش خیابان‌های شهرهای مختلف ایران پر شد از همین دختران و زنان کم‌حجابی که برای بر دوش گرفتن تابوت او به خیابان‌ها سرازیر شدند. روح شهید حاج‌قاسم سلیمانی ۳ سال پس از خلاصی از زندان بدن شاهد حماسه دیگری از همین خانم‌های کم‌حجاب بود؛ آنجا که دشمن به پنهان فوت یک دختر از همین دخترهای حاج قاسم، بلوا و آشوب در کشور ایجاد کرد ولی برخلاف انتظارش همین زنان و دختران کم‌حجاب با او همراهی نکردند و به تعبیر رهبری در دهان دشمن نقشه‌های او را نقش بر آب کردند. بیراهه نیست اگر بگوییم رزمندگان خط مقدم فتنه ۱۴۰۱ همین دخترهای کم‌حجاب حاج‌قاسم بودند. برای تحلیل بیشتر این موضوع با سرکار خانم دکتر فریبا علاسوند، عضو هیات علمی و پژوهشی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان گفت‌وگو کردیم.



■ سرکار خانم دکتر علاسوند! دشمن در چند ماه اخیر با فشار تبلیغاتی و رسانه‌ای خود تلاش زیادی در زمینه قرار دادن «زن ایرانی» در مقابل «نظام اسلامی» انجام داد که بهانه این توطئه هم مساله حجاب و پوشش بود. ضمن تحلیل این وقایع، بفرمایید ورود دستگاه‌های فرهنگی برای مقابله با این توطئه بویژه در حوزه حجاب چگونه باید باشد؟

ابتدا باید توجه داشته باشیم که هر گونه موضوع‌گیری و سیاست‌گذاری که در زمینه حجاب می‌خواهیم انجام دهیم باید این پیش‌فرض را داشته باشد که بحث حجاب یک واجب شرعی است. یعنی هر کاری که می‌خواهیم درباره مساله زنان و حجاب در کشور انجام دهیم باید مفروضی داشته باشد که آن مفروض را نباید تحت‌الشعاع قرار داد. بحث درباره اینکه ما کار فرهنگی کنیم یا سوادری کار انتظامی انجام دهیم، یا اینکه اصلاً نباید کار انتظامی انجام دهیم، بلکه یک کار نظارتی انجام دهیم و یا یک مساله را ذیل امر به معروف تعریف کنیم یا نکنیم، همه این موارد را باید با در نظر گرفتن وجوب حجاب انجام دهیم. هر کاری که می‌خواهیم برای حل معضل بدحجابی یا بی‌حجابی در کشور انجام دهیم باید فرع بر این مساله باشد که حجاب یک امر شرعی و دینی است و مثل سایر موارد دینی و شرعی که امر مشروعیست آنها را مخدوش نمی‌کند، نباید مشروعیست پوشش و حجاب را مخدوش کند، چراکه وقتی فضا مه‌آلود می‌شود، افراد مختلف از زوایای مختلف ممکن است خواسته یا ناخواسته مواضعی را اتخاذ کنند که اصل حجاب را زیر سوال ببرد و این یک خطای مبنایی است. اینکه برخی در اصل وجوب حجاب در زمان پیغمبر یا قانونی بودن یا نبودن آن بحث‌هایی می‌کنند، در واقع اینها انحراف در بحث حجاب است. حجاب یک مفروضی دارد و آن مفروض امر دینی و شرعی است. این نکته‌ای بود که در سخنان رهبر انقلاب نیز وجود داشت. پس از در نظر گرفتن این مقدمه و مفروض مهم، باید دقت کنیم حجاب را به یک موضوع برای تخاصم گفتمانی تبدیل نکنیم. ۱۰۰ سال است که کسانی خواستند با اسلام با احکام شریعت بجنگند و یکی از فضاها و سنگرهایی که در این زمینه انتخاب کردند بحث حجاب بود. یعنی کسی تاکنون نیامده که به بهانه بحث نماز یک جریان گفتمانی یا یک تخاصم گفتمانی را شروع کند، مثلاً مدافعان نماز یک گوشه‌ای بنشینند و رجز بخوانند و مخالفان نماز هم یک گوشه دیگری علیه نماز موضع بگیرند اما جنبه حجاب و جهت ورود و نمود و سبملیک بودن و البته به لحاظ آثار متعدد فرهنگی - که بحث آن بسیار مفصل است و در اینجا نمی‌توانیم به آن بپردازیم - در واقع در صدر حوادث قرار داشته است. حجاب ۱۰۰ ساله است که به یک نماد یا سمبل مبارزه بین ۲ پارادایم و عقیده و جبهه تبدیل شده که من نام آن را موضوع تخاصم گفتمان گذاشته‌ام و نباید اجازه دهیم که این اتفاق بیفتد؛ یعنی کسانی که به هر دلیلی می‌خواهند با جمهوری اسلامی مخالفت کنند یا می‌خواهند با قانون‌گذاری در مبانی اسلام مخالفت کنند و یا می‌خواهند با یک اصل از قانون اساسی یا هر مساله دیگری مخالفت کنند، پشت حجاب سنگر بگیرند، لذا رهبر حکیم انقلاب فرمودند فریب نخورید، مساله حجاب نیست.

■ ممکن است بزرگ‌ای عده‌ای سوء تفاهم ایجاد کند که این سخنان به معنی بی‌اهمیت دانستن مساله حجاب اسلامی است. اصلاً اینطور نیست. نه اینکه حجاب بحث بی‌اهمیتی است اما کسانی که با حجاب مخالفت می‌کنند، مساله‌شان حجاب نیست، بلکه حجاب یک بهانه و نقطه شروع و یک سنگر آغازین است و روشن است که وقتی کسی با این

تشیع وظیفه دارند. گاهی ضمن اینکه زن، خانه را مراقبت می‌کند، یکسری کارهای اجتماعی هم می‌خواهد انجام دهد که این کارهای اجتماعی با تمام تنوع‌شان با توجه به شرایط آن زن و تحصیلات... او می‌تواند صرفاً جزو علایق باشد یا جزو ضرورت‌ها باشد که این هم به نظر من تعبیر بسیار خوب و کلیشه‌شکنی بود که حضرت آقا فرمایش کردند و بحث قابل توجهی است که می‌توان آن را به وسیله رسانه جدیدین‌بار در جامعه تکرار کرد.

■ مساله ورود خانم‌ها به تصمیم‌سازی‌های کلان با اینکه شعار جدیدی نیست و در گفت‌وگو با آقایان اسلامی حضور جدی داشته، چرا به صورت جدی در دستور کار قرار گرفته است؟ مواضع این مساله چه بوده است؟

برخی موانع ممکن است قانونی بوده که به مرور اینها کاهش پیدا کردند ولی یک بخشی از موانع فرهنگی و کلیشه‌های ذهنی انسان‌هاست. مقداری سلطه مردانه بر برخی فضاهاست، مقداری ممکن است که نگرش‌های تند مذهبی باشد، ما در بین وعظ و سخنرانان مذهبی، کسانی را داریم که ممکن است انقلابی هم باشند ولی با دکترین امام و رهبری در بحث زنان همراه نیستند و شدیداً کشور باید متولیان بخش زنان و خانواده داشته باشد. اینکه افراد تلقی‌ای از حجاب، عفاف و پاکدامنی دارند که با بروز و ظهور اجتماعی مخالفت می‌کنند. یک تصویری از مرد و اول و دوم قائل هستند. افراد انقلابی اگر واقعاً تمام منظومه فکری امام و رهبری را قبول دارند، باید همه مسائل را قبول کنند.

یک بخشی رسوبات فکری تاریخی افراد است که واقعاً زنان توانمند نیستند و این در اعتقاد و باور بسیاری حتی اساتید دانشگاهی وجود دارد و اصلاً حضور زنان را در کنار خود تجربه نمی‌کنند تا در یک نشست و کار تخصصی ببینند که واقعاً این توانمندی وجود دارد یا خیر.

بخش دیگر به این دلیل است که این افراد به نظر من مساله زنان و خانواده اولویت‌شان نیست، لذا فکر نمی‌کنند کشور باید متولیان بخش زنان و خانواده داشته باشد. اینکه زنان نماینده داشته باشند، بسیار تأثیرگذار است. به عنوان مثال ما یک عرصه رقابتی داریم که هیچ مانع قانونی بعد از انقلاب اسلامی برای آن گذاشتیم و آن حضور زنان در مجلس شورای اسلامی است اما شما می‌بینید که در تمام سال‌های بعد از انقلاب اسلامی تعداد نمایندگان زنان از ۱۴ تا ۱۵ نفر بالاتر نرفته است.

رقابت آزاد است اما چرا باید اینگونه باشد؟ این اتفاق چند دلیل دارد. یکی اینکه هنوز مردم ما به این باور نرسیده‌اند که زن می‌تواند مسائل آنها را نمایندگی کند، لذا اگر کاندیدا مرد باشد، غالباً به زنان رأی نمی‌دهند. دلیل دیگر مساله جناح‌بندی‌های سیاسی و انتخابات لیستی است. وقتی سردمداران یک جریان باور ندارند به مساله زنان و تأثیر آن در پیشرفت انقلاب اسلامی، هنگامی که برای انتخابات لیست می‌دهند، مثلاً از تهران ۳۰ نماینده می‌خواهند بفرستند، طوری لیست می‌دهند که ۴ خانم در لیست باشند. نهایتاً اگر مردم به تمام لیست رأی دهند، ۴ خانم هم از تهران ۱۰ میلیون به مجلس راه پیدا می‌کنند که این قابل قبول نیست.

من از کتابی که فرمایشات رهبری در آن جمع‌آوری شده است، نقل می‌کنم. زمانی نمایندگان مجلس خدمت ایشان رفته بودند، رهبری فرمودند من نمی‌گویم بر بحث سهمیه‌بندی تأکید شود اما معتقدم ۴۰ نماینده زن بهتر مسائل زنان کشور را نمایندگی می‌کنند تا ۴ زن! این یک واقعیت است. بنابراین گاهی مواضع به این مسائل هم بازمی‌گردد، یعنی ممکن است مواضع قانونی نداشته باشیم اما مواضع فرهنگی و مواضع ساختاری اینچنینی داشته باشیم. مواضع حزبی و جناحی می‌تواند تأثیرگذار باشد و همچنین افرادی که در دامنه مدیریتی کشور هستند. به عنوان مثال ما توقع داشتیم در شورای انقلاب فرهنگی با در جمع تشخیص مصلحت نظام یا نهادهای اینچنینی، تعدادی از بانوان باشند. رهبری هم معتقدند باید باشند اما چرا نیستند؟ چه کسانی مداخله می‌کنند؟ اینها مسائلی است که قابل بحث است.

و تصمیم‌سازی در حد کلان مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت و تمام شوراهایی که در کشور وجود دارد و کارهای اساسی و راهبردی انجام می‌دهند، مثل تمام کمیسیون‌های متعددی که در وزارتخانه‌ها هستند و در آن کمیسیون‌ها و ادارات و جلسات و نشست‌های کارشناسی، برای مسائل آن وزارتخانه تصمیم‌گیری می‌شود، باید از ظرفیت‌های خانم‌ها استفاده کنند. در هر وزارتخانه‌ای که شما بروید و در هر زمینه تخصصی ورود کنید، تعداد زنان متخصص در آن بسیار زیاد است که برخی ممکن است که از مردان هم با سوادتر باشند یا در حد آنها باشند. بنابراین ما طبیعتاً باید یک بسته‌ای برای حضور نخگی زنان در عرصه تصمیم‌سازی باز کنیم. ■ آیا حضور زنان در حوزه تصمیم‌سازی و مدیریت حوزه‌های کلان کشور به مساله خانه‌داری آنها آسیب وارد نمی‌کند؟

الان شما می‌بینید در برخی کشورها فدراسیون خانواده وجود دارد و این زنان عمدتاً ممکن است خانه‌دار باشند ولی شخصیت‌های علمی، توانمند و باسواد هستند و همین‌ها برای اینکه مسائل مربوط به خانواده را مستقیماً با دولت طرح کنند، در کابینه دولت نماینده دارند. بنابراین در حوزه تصمیم‌سازی به نظرم بحث بسیار مهم است و جای زنان ما بسیار خالی است. اگر شما ۵ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی را از زنان گذاشتید، بخشی از حوزه و مرجعیت با حضور زنان در این عرصه‌ها مخالفت نمی‌کنند. نکته بعدی بحث تصمیم‌گیری در مشارکت‌ها در بحث سیاسی، دولتی و اجرایی است. «دوستان ما در مجلس و... می‌گویند که ما می‌خواهیم تحولاتی در حوزه خانواده ایجاد کنیم اما در سطح ملی یا منطقه‌ای، دوسوم انرژی ما صرف این می‌شود که با آقایان در مسائل مختلف تفاهم کنیم. آقایان متدین و انقلابی و مذهبی و طرفدار خانواده‌ها! واضح است که دغدغه‌های زنان و خانواده و نگرانی‌های مادرانه، مسائلی هستند که خانم‌ها می‌توانند براحتی راجع به این مسائل گفت‌وگو کنند. تعداد بیشتر خانم‌ها در مجلس به معنای قدرت لایبی بیشتر و تأثیرگذاری بیشتر است تا جایی که می‌شود از این فضا برای حل مسائل و نه برای جنگ بین مردان و زنان و جنگ قدرت، بلکه برای پیشبرد انقلاب استفاده کرد. اگر من جای مسئولان بودم، قطعاً حضور زنان در امر تصمیم‌سازی را به پروژه تبدیل می‌کردم و یک سیاه‌های از تمام فضاهایی را که در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امکان حضور زنان و بانوان وجود دارد و این امکان پیش‌برنده است و می‌تواند رکورد جدیدی در پیشبرد و حل مسائل کشور ایجاد کند. تهیه می‌کردم. این نقش‌های متعدد و چندگانه‌ای برای زنان تعریف می‌کنیم و زنان از این می‌توانند ایستادگی برخوردارند که این نقش‌های چندگانه را بر عهده بگیرند، منتها اینکه اولویت‌های زنان چه باشد و آنچه برای زنان ما در رسانه و خانواده و توسط گویندگان مذهبی بر ساخت می‌شود، این است که «خانه‌داری» مهم است.

رهبری تعبیری به کار بردند که کلیشه مفهوم خانه‌داری در ذهن‌ها شکست. فرمودند خانه‌داری یعنی خانه را داشتن، مراقبت کردن، از این حیثیت و حریم و سنگر دفاع کردن، یعنی برپا داشتن آن. یکسری شوون مختلف در خانه انجام می‌شود و ممکن است که یک خانمی کار خانه را به کارگر بسپارد. ممکن است که در یک خانه‌ای همسر بسیار با خانم مشارکت می‌کند و کارهای خانه تقسیم می‌شود. ممکن است کار خانگی زن، زیاد نیست اما معلوم است که پاسایی این سنگر خانواده زن است. پاسایی یعنی یک عرصه خصوصی آرامبخش عاطفه‌گستر که ارزش‌ها، سنت‌های درست، عقاید سالم و صحیح در آنجا دارد نسل به نسل بازآفرینی و منتقل و درونی می‌شود. یعنی یک انسان قدر قدرتی ایستاده و می‌گوید تا من هستم، اجازه نمی‌دهم ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی و هویت‌های ما از بین برود.

این آدم قدرتمند یک بانواست که باید این خانه را حفظ کند. این موقعیت را در نزد خود تحقیر نکند و دیگران هم آن را تحقیر نکنند. این نکته را هم باید در نظر داشت که بالاخره ما در یک چارچوب سیاسی می‌اندیشیم که احاد یا ملت در مقابل کشور و حاکمیت و نظام و اسلام و

صحتی داشتند که ممکن است این صحبت را بسیار حماسی تلقی کنیم، ولی کاملاً راهبردی است. من اگر جای اهل رسانه بودم این مطلب را بسیار منعکس می‌کردم چرا که بسیار حرف مهم و سبب دلگرمی است. اینکه کسی مثل من که عمری محجبه هستم و اصلاً نمی‌توانم تصور کنم که زمانی چادر خود را کنار بگذارم، در اتفاقات اخیر که افتاده، من کماکان حجاب خود را دارم. از این منظر من کار خیلی مهمی نمی‌کنم اما اگر یک فردی که حجابش ضعیف است، یعنی اینکه ممکن است به مقوله حجاب اعتقاد آنچنانی نداشته باشد اما با وجود اینکه شرایط مهیا هست، روسری از سر برنمی‌دارد کار او بسیار ارزشمند است. ضدانقلاب بسیار به این حرکت امید بست تا حدی که منتظر انقلاب‌های متعددی بعد از این اتفاقات بودند. همین دسته از بانوان و زنانی که حجاب‌های اینچنینی داشتند، حجاب را برنداشتند. این کار به مراتب از تداوم یکی مثل من در بحث پوشش و حجاب، مهم‌تر و باارزش‌تر و حماسی‌تر و معنادارتر است و این نکته در فرمایش آقا بسیار مهم بود که تو دهنی اصلی را اینها به دشمن زدند. جوانی که به میدان رفت و شهید شد، جوان باغیتری که رفت از این کشور و نوامیس خود دفاع کرد، ارزش کارش چه‌بسا از این بانوانی که حتی با همین شکل و شمایل حاضر نشدند این روسری را از سر بردارند یا لباس نامناسب بپوشند، شاید بیشتر نباشد. نمی‌خواهم اجر شهدا را کم کنم، می‌خواهم بگویم این فشار و سختی و همراهی‌ای که اینها با نماد انقلاب اسلامی داشتند، واقعاً قابل اهمیت و احترام است.

■ زنان ایرانی در مبارزات و تظاهرات پیش از انقلاب و در دوران دفاع مقدس نقش بسیار چشمگیری داشتند به طوری که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران اگر زنان وارد صحنه نمی‌شدند، انقلاب ایران به پیروزی نمی‌رسید اما پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، نقش آفرینی بانوان در عرصه‌های تصمیم‌سازی‌های کلان و راهبردی کشور آنطور که شایسته است اتفاق نیفتد؛ از نظر شما این مساله چقدر در شرایط امروز کشور ضرورت دارد؟

مساله بسترسازی برای حضور زنان در مجاری تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های کلان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. رهبری هم یک روشنگری فوق‌العاده‌ای در این عرصه دارند که کمتر به آن پرداخته شده است. ترکیب حضور زنان در عناصر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به معنای فمینیستی آن برای اینکه در جنگ قدرت زنان غلب نمایند، نیست، بلکه در واقع برای استفاده بهینه از این همه انرژی و توانایی عملیاتی و مهارتی که زنان ایرانی به دست آورده‌اند، است. ایران بعد از انقلاب دارای رکود در تمام این عرصه‌هاست. وقتی می‌گویم دارای رکود است یعنی با توجه به مقدار زمانی که زنان و دختران ایرانی در حوزه تحصیلات، تخصص، کتابخوانی، مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حضورهای فرهنگی و ورزشی و مقاماتی که به دست آورده‌اند، وقتی از این منظر شاخص‌ها را در نظر می‌گیرید و این رکود را در کمیت رسم می‌کنید، باید از آن طرف هم برای این افراد برنامه داشته باشیم.

این اسراف است یک بخش عمده‌ای از ذخایر و منابع این کشور، صرف یکسری از استعدادهای زنان شده باشد و بعد، استفاده بهینه‌ای از آنها نشود. تعداد بسیار بالای زنانی وجود دارند که می‌توانند اثرگذار، رهبری‌کننده و پیش‌برنده باشند و در پروسه پیشرفت بسیار کمک کنند اما نظام استبدادی‌ای را که باید، از این ظرفیت نمی‌کند. اینکه عده‌ای گمان کنند انقلاب اسلامی دنبال این است الگوی قدیمی زن سنتی را همواره تداوم ببخشد، غلط است. اگر اینگونه است، پس چرا امام و مقام معظم رهبری و متفکران اصلی انقلاب، آنقدر زنان را به حضور ممتد آن هم در قله‌ها تشویق کردند. اگر قرار است که از این ظرفیت به عنوان دستاورد انقلاب استفاده شود، طبیعتاً زنان باید در جاهایی که حضورشان کمک می‌کند، به تقویت بسته فکری مسؤولان در حوزه زن، خانواده و مسائل مختلف بپردازند.

رهبری بر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کلان زنان تأکید کردند و این خیلی مهم است. نهادهای مهم تصمیم‌گیری

حجاب مخالفت می‌کند، در واقع با بسته حجاب (یعنی تدین و دین‌مداری افراد) مخالفت می‌کند. ما نباید فکر کنیم یک بحران ۳ ماهه سنگین که در کشور پدیده آمد صرفاً به خاطر ۸۰ سانتیمتر روسری است و آنقدر این مساله برای زنان ما سنگین است که حاضر هستند به خاطر آن کشته شوند یا کشته بدهند یا در خیابان‌ها بیایند و کشور را به هم بریزند. این مساله نشان می‌دهد که حجاب یک بهانه است ولی نقطه شروع مهمی است، چون یک سنگر بسیار ایدئولوژیک است و وقتی کسی با حجاب با این کیفیت مخالفت می‌کند، در واقع دارد یک معبر مهم را باز می‌کند؛ بنابراین ما اگر می‌خواهیم درباره حجاب کاری کنیم باید به این نکته مهم دقت کنیم.

همان‌طور که عرض شد حجاب یک امر دینی و شرعی است. ما باقی امور دینی و شرعی را چگونه آموزش می‌دهیم؟ اگر ببینیم تعداد نمازخوان‌ها در کشور کم شده‌اند، احساس خطر می‌کنیم و باید برنامه‌ای برای آموزش آن داشته باشیم. اگر دیدیم تعداد افراد ضعیف‌الحجاب زیاد می‌شوند، باید برنامه‌ای برای این امر داشته باشیم چون یک امر دینی است و دینی را که آموزش می‌دهیم باید به گونه‌ای آموزش دهیم که در افراد درونی شود.

آقا فرمودند اگرچه حجاب یک امر دینی و شرعی است و از آن فروگذار نمی‌کنیم و دست برنمی‌داریم اما از سویی دیگر هم فرمودند کسانی که حجاب‌شان کامل نیست و ضعیف‌الحجاب هستند، این افراد را به بی‌دینی و ضدانقلابی متهم نکنیم. یعنی اینکه حجاب، این دلالت را دارد که کسی که از حجاب استفاده می‌کند یعنی اینکه حتماً متدین است و به احتمال زیاد طرفدار دستاوردهای انقلاب اسلامی درباره زنان است، ولی از سویی دیگر اگر کسی حجابش ضعیف بود فکر کنیم که این فرد بی‌دین یا ضداقلاب است، اشتباه است و این بسیار مهم است؛ چون قطعاً یکی از سیاست‌های کهنه استکبار علیه کشورهای مختلفی که آنها را عمری تحت استعمار گرفته «تفرقه بینداز و حکومت کن» بود. سیاستش ایجاد دو قطبی و چند قطبی است. چند قطبی بی‌ارمون بحث نماز اتفاق نمی‌افتد ولی چندقطبی بی‌ارمون بحث حجاب اتفاق می‌افتد. آنها این کار را کرده‌اند و سابقه چند صد ساله هم در این زمینه دارند. بنابراین آقا در واقع دارند این مساله و حربه را از دست منافقین و ضدانقلاب می‌گیرند و این حربه ممکن است توسط متدینان به اشتباه اتفاق افتد. یعنی متدینان در این میان بازی بخورند. این آدمی که حجاب ضعیف دارد نه کاملاً بی‌دین است و نه ضدانقلاب است. لذا ما باید برنامه‌ای بچیزیم که صفوف جریان انقلاب را شلوع‌تر و قوی‌تر کنیم. کسانی که خودشان تعلق خاطر دارند یا ندارند را به خاطر یک نماد ظاهری رها نکنیم. در واقع افراد جامعه را به این سمت ببریم که بالاترین حد همدلی را داشته باشند.

اگر کسانی اطراف ما باشند که نماز نمی‌خوانند و ما خبر نداریم، تجسس نمی‌کنیم و همدل هم هستیم اما حجاب چون یک نشانه ظاهری است و ما فکر کردیم و این را در مفروضات خود گذاشتیم که بدحجابی یعنی ضدانقلابی و بی‌دینی، در نتیجه مرز خود را زیاد می‌کنیم و این باعث شکاف اجتماعی می‌شود که در هیچ شرایطی به سود اسلام، انقلاب و ایران نیست.

این مطلب بسیار قابل توجه است و به نظر تمام کسانی که به شکل‌های مختلف متولسی امر فرهنگ و دین هستند، اگر چنین مفروضی را در ذهن خود داشته باشند که در عین اینکه حجاب مهم است ولی بدحجابی نشانه بی‌دینی یا ضدانقلابی‌گری نیست، احساس همدلی اجتماعی بسیار بزرگ‌تری می‌توانند داشته باشند و به این ترتیب سرمایه اجتماعی انقلاب افزایش می‌یابد و دشمن هم ناامید می‌شود.

■ پس می‌توان ادعا کرد اتفاقاً جامعه زنان کم‌حجاب می‌توانند نقطه قوتی برای نظام باشند و انقلاب از ظرفیت این خانم‌ها که به لحاظ جمعیتی بسیار بیشتر از خانم‌ها بی‌حجاب هستند می‌تواند استفاده کند.

اصلاً همین خانم‌ها در همین چند ماه گذشته در خط مقدم مبارزه با دشمن حضور داشتند! ببینید، رهبری یک